



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

دوره بیست و ششم، شماره‌ی ۹۳

فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

بهار ۱۴۰۵، صفحات ۷۵-۵۰

امین محتشمی فر^۱

محمد رضا بمانیان*^۲

نقش خدمات اکوسیستمی فرهنگی باغات تاریخی تهران در حمایت از آیین‌های مذهبی و پایداری اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

چکیده:

این پژوهش با هدف دوگانه‌ی سنتز نظام‌مند شواهد موجود درباره روابط بین خدمات اکوسیستمی فرهنگی، آیین‌ها و پایداری منظر اجتماعی، و نیز تبیین نقش واسطه‌ای خدمات اکوسیستمی فرهنگی در ارتباط بین آیین‌ها و پایداری منظر اجتماعی در بافت شهرهای ایران طراحی شد. در فاز کیفی، یک مرور سیستماتیک کیفی-تلفیقی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد سازه‌گرا انجام شد. جستجوی نظام‌مند در هشت پایگاه داده داخلی و بین‌المللی تا مهر ۱۴۰۲ منجر به انتخاب ۴۷ مقاله از میان ۲۱۵۸ مطالعه اولیه گردید. داده‌ها با روش فرا ترکیب و کدگذاری سه‌مرحله‌ای گراند تئوری تحلیل شدند. در فاز کمی، پژوهش به روش ترکیبی (کاربردی-توسعه‌ای) و با به‌کارگیری پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته میان ۳۰۰ نفر از شهروندان شرکت‌کننده در آیین‌های محرم و نوروز در فضاهای سبز شهری اصفهان و تهران تکمیل شد. داده‌های کمی با نرم‌افزارهای SPSS و Smart-PLS و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. سنتز کیفی به خلق «نظریه یکپارچگی منظر فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور» منجر شد که هسته مرکزی آن «تلفیق سه‌گانه» (خدمات اکوسیستمی فرهنگی به عنوان بستر توانمندساز، آیین‌ها به عنوان کنش یکپارچه‌ساز و پایداری منظر اجتماعی به عنوان پیامد تاب‌آور) و پنج مقوله محوری (قداستزایی

^۱ پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۲ * گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). bemnian@modares.ac.ir

اکوسیستمی، تعامل اجتماع‌ساز، حافظه مکانی جمعی، فشارهای گسست‌زا و راهبردهای تاب‌آوری منظرین) است. یافته‌های کمی نشان داد خدمات تنظیم‌کننده (ضریب مسیر ۰،۴۸) و فرهنگی (ضریب مسیر ۰،۵۴) اکوسیستم‌های شهری اثر معناداری بر کیفیت برگزاری آیین‌ها دارند و این متغیر نیز به نوبه خود بر حس تعلق مکانی (۰،۶۲) و انسجام اجتماعی ادراک‌شده (۰،۵۷) تأثیر مستقیم دارد. این دو متغیر در مجموع ۶۵٪ از واریانس سازه پایداری منظر اجتماعی را تبیین کردند به طوری که نتیجه کار مشخص نمود پایداری منظر اجتماعی شهری محصول یکپارچگی پویا و تعاملی بین نظام‌های اکولوژیک و اجتماعی-فرهنگی است. آیین‌ها نه صرفاً مصرف‌کننده، که تکمیل‌کننده چرخه اکوسیستم-جامعه از طریق تقویت معنای خدمات اکوسیستمی هستند. این پژوهش لزوم گذار از برنامه‌ریزی تک‌بعدی به سمت «طراحی اکوسیستم‌های فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور» و اتخاذ رویکرد «طراحی منظر آیین‌بنیاد» را به عنوان راهبرد کلیدی در برنامه‌ریزی شهری پایدار نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: خدمات اکوسیستمی فرهنگی، آیین‌های شهری، پایداری منظر اجتماعی، تاب‌آوری منظرین، نظریه داده‌بنیاد.

مقدمه

شهرهای دوران معاصر، به‌ویژه در بافت‌های تمدنی عمیق و فرهنگ‌محوری همچون ایران، صحنه‌ی پیچیده‌ای از تعاملات و تنش‌های دوگانه هستند. از یک سو، نظام اکولوژیک-طبیعی شهرها، متشکل از شبکه‌های حیاتی آب، هوا، خاک، پوشش گیاهی و جانوری، تحت فشار بی‌سابقه‌ی توسعه‌ی کالبدی و آلودگی‌های محیطی قرار دارد. از سوی دیگر، نظام اجتماعی-فرهنگی شهرها، که هویت، انسجام، سلامت روانی و حس تعلق شهروندان را شکل می‌دهد، با چالش‌هایی چون گسست اجتماعی، فردگرایی افراطی و فرسایش حافظه‌ی جمعی مواجه است. برای دهه‌ها، رویکردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، این دو نظام را عمدتاً مستقل از یکدیگر و گاه در تقابل با هم دیده‌اند؛ گویی که حفاظت از طبیعت شهری، هزینه‌ای بر توسعه‌ی اجتماعی است، یا فضاهای جمعی، لزوماً می‌توانند فارغ از کیفیت زیست‌بوم خود عمل کنند.

با این حال، پارادایم‌های نوین پایداری شهری بر این باور استوارند که پایداری واقعی، تنها در نقطه‌ی تلاقی و تعادل پویای اکولوژی و فرهنگ محقق می‌شود. در این راستا، دو چارچوب مفهومی کلیدی، نقش پل‌های ارتباطی را ایفا می‌کنند:

میدان‌های باز) داشته‌اند. به بیان دیگر، آیین‌ها، متجلی‌کننده‌ی عینی رابطه‌ی دیالکتیک بین فرهنگ و طبیعت در مقیاس شهری هستند.

با وجود درک شهودی از این رابطه و وجود انبوهی از مطالعات پراکنده در حوزه‌های زیر:

۱- روان‌شناسی محیط و سلامت - مثلاً تأثیر فضای سبز بر کاهش استرس

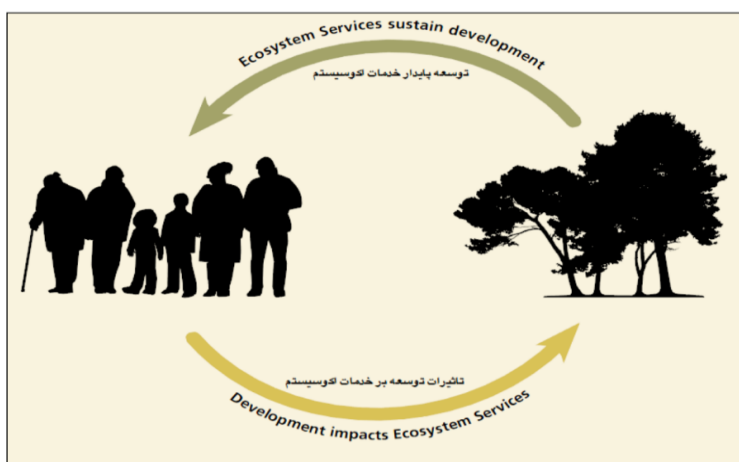
۲- انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی آیین‌ها،

۳- برنامه‌ریزی شهری و طراحی منظر، ادبیات پژوهشی

با یک شکاف عمیق و ساختاری روبروست: فقدان یک چارچوب نظری نظام‌مند، یکپارچه و زمینه‌مند که بتواند نحوه‌ی تعامل این سه عنصر کلیدی (خدمات اکوسیستمی فرهنگی، آیین‌ها و پایداری منظر اجتماعی) را در بافت پیچیده‌ی شهر ایرانی تبیین کند. غالب پژوهش‌های موجود یا متمرکز بر رابطه‌ای دوتایی و خطی هستند (مانند «تأثیر حضور در پارک بر شادی»)، یا به توصیف موردی یک آیین خاص در یک مکان خاص بسنده کرده‌اند، بدون آنکه این مشاهده را به یک نظریه‌ی قابل تعمیم ارتقا دهند. این پراکندگی و ناتوانی در سنتز دانش موجود، مانعی جدی در مسیر تدوین راهبردهای عملیاتی، سیاست‌های مؤثر و اصول طراحی آگاهانه برای ایجاد شهرهای پایدارتر و انسانی‌تر در ایران ایجاد کرده است.

پرسش‌های کلیدی این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف نظری، به شرح زیر طرح شده‌اند:

- بر اساس شواهد تجربی و نظری پراکنده در ادبیات داخلی و بین‌المللی، الگوها و مکانیزم‌های حاکم بر ارتباط سه‌گانه‌ی خدمات اکوسیستمی فرهنگی، آیین‌های مذهبی-فرهنگی و پایداری منظر اجتماعی در شهرهای ایران چگونه است؟
- کدام مفاهیم محوری، مقولات و روابط ساختاری، هسته‌ی تشکیل‌دهنده‌ی این پیچیدگی را شکل می‌دهند؟
- در نهایت، چگونه می‌توان بر پایه‌ی سنتز این شواهد، یک نظریه‌ی زمینه‌ای جامع (گراندد تئوری) ارائه داد که نه تنها به تبیین وضع موجود بپردازد، بلکه چارچوبی برای آینده‌نگری و اقدام در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی منظر شهری پایدار فراهم آورد؟



شکل ۲- رابطه میان توسعه و خدمات اکوسیستم - منبع: (Ranganathan et al., 2008)

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای درک عمیق رابطه سه‌گانه بین خدمات اکوسیستمی فرهنگی، آیین‌ها و پایداری منظر اجتماعی، لازم است ابتدا هر یک از این مفاهیم کلیدی، در چارچوب نظری خود و با توجه به پیشینه پژوهشی مرتبط، به دقت تعریف و تحلیل شوند. این بخش به تشریح این مفاهیم و بررسی شکاف موجود در ادبیات می‌پردازد.

۲.۱. خدمات اکوسیستمی فرهنگی (CES): از منبع محوری تا انسان محوری و معنا سازی

مفهوم «خدمات اکوسیستمی» با گزارش ارزیابی هزاره اکوسیستم (MEA, 2005) به طور گسترده‌ای مطرح شد و با دسته‌بندی خدمات به چهار گروه «تأمین‌کننده»، «تنظیم‌کننده»، «فرهنگی» و «پشتیبانی»، گامی اساسی در ارزش‌گذاری اقتصادی و اجتماعی طبیعت برداشت. در این میان، خدمات اکوسیستمی فرهنگی (CES)، به دلیل ماهیت غیرمادی، ذهنی و وابسته به زمینه فرهنگی، پیچیده‌ترین و جذاب‌ترین دسته محسوب می‌شود. (Chan et al., 2012) این خدمات، منافعی هستند که مردم از طریق تجربیات زیباشناختی، تفریحی، روحانی، آموزشی و نمادین با اکوسیستم‌ها کسب می‌کنند. چارچوب‌های نوین مانند (Haines-Young & Potschin, 2018) تلاش کرده‌اند تا این خدمات را عملیاتی‌تر کنند و آن‌ها را به گروه‌هایی مانند «تجربیات فیزیکی و ذهنی» (مثل آرامش، ورزش)، «هویت و حس مکان» و «آموزش و الهام» تقسیم‌بندی نمایند. در محیط شهری، این خدمات از طریق عواملی چون کیفیت بصری و ساختار منظر (مانند ترکیب رنگ‌ها، فرم درختان)، تنوع زیستی قابل مشاهده (پرنده‌گان، گلها)، دسترسی به نقاط دید و منظر، وجود آب و صدای آن، و تلفیق عناصر تاریخی با طبیعت ارائه می‌شود (Daniel et al., 2012).

در بافت ایران، پژوهش‌های در حال گسترشی به بررسی ابعاد CES پرداخته‌اند. برای نمونه، (سعیدی و مهدوی، ۱۳۹۸) نشان دادند که چگونه پارک‌های شهری با ارائه خدماتی مانند فرصت تفریح و فراغت، در کاهش استرس و ارتقای سلامت روان شهروندان نقش دارند. از سوی دیگر، (رضایی و حبیبی، ۱۴۰۱) در مطالعه‌ای بر روی باغ‌های تاریخی، به این نتیجه رسیدند که ارزش زیباشناختی و تاریخی این فضاها، نقشی اساسی در شکل‌دهی به حس مکان و هویت جمعی ساکنان ایفا می‌کند. با این حال، اغلب این مطالعات، CES را به عنوان یک «ویژگی ثابت» فضا در نظر می‌گیرند و کمتر به چگونگی فعال شدن و تفسیر شدن این خدمات توسط کنش‌های اجتماعی-فرهنگی خاص (مانند آیین‌ها) پرداخته‌اند.

۲.۲. آیین: کنشی منظرین و فضا ساز

آیین، از منظر علوم اجتماعی و انسان‌شناختی، یک کنش نمادین، تکرارشونده و قاعده‌مند است که در بافتی جمعی انجام می‌پذیرد. (ویکتور ترنر، ۱۹۶۹) آیین را وسیله‌ای برای عبور از موقعیت‌های بحرانی و ایجاد «اجتماع‌انگاری» (Communitas) می‌داند؛ حالتی موقت از برابری و همبستگی عمیق که ساختارهای اجتماعی روزمره را تعلیق می‌کند. این مفهوم کلیدی، توضیح می‌دهد که چگونه آیین‌ها می‌توانند سرمایه اجتماعی و انسجام را تقویت کنند. نظریه‌پردازان فضا (هانری لوفور، ۱۹۹۱)، آیین را جزئی جدایی‌ناپذیر از «تولید اجتماعی فضا» می‌دانند. از نگاه او، آیین‌ها نمونه‌ای بارز از کنش‌هایی هستند که فضای بازنموده (Lived Space) را می‌سازند؛ یعنی فضا را از سطح انتزاعی برنامه‌ریزی و طراحی (فضای بازنمایی) به سطحی عینی، تجربه‌شده و

سرشار از معنا تبدیل می‌کنند. در حوزه معماری منظر، آیین به عنوان یک «پدیدار منظرین» شناخته می‌شود که نه تنها در یک فضا رخ می‌دهد، بلکه آن فضا را تعریف، فعال و دگرگون می‌سازد (شیرازی، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، آیین، هویت و خاطره را بر پیکره مکان مینویسد.

پژوهش‌های میدانی در ایران این دیدگاه را تأیید می‌کنند. مطالعه (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶) بر مراسم محرم در بافت تاریخی تویسرکان نشان می‌دهد که این آیین، تنها یک استفاده‌کننده منفعل از خیابان‌ها و میدان‌ها نیست، بلکه الگوی حرکت، مکث، تجمع و تعامل را به‌طور موقت اما مؤثر بازتعریف کرده و یک «منظر آیینی» پویا و معنادار خلق می‌کند. این پژوهش‌ها به خوبی ماهیت فضا ساز آیین را نشان می‌دهند، اما کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که کیفیت‌های محیطی و اکوسیستمی آن فضا (CES) چگونه بر عمق و کیفیت این کنش آیینی تأثیر می‌گذارد.



شکل ۳ - آیین محرم تویسرکان

منبع: yjc

۲.۳. پایداری منظر اجتماعی (SLS): تاب‌آوری از رهگذر تعلق و معنا

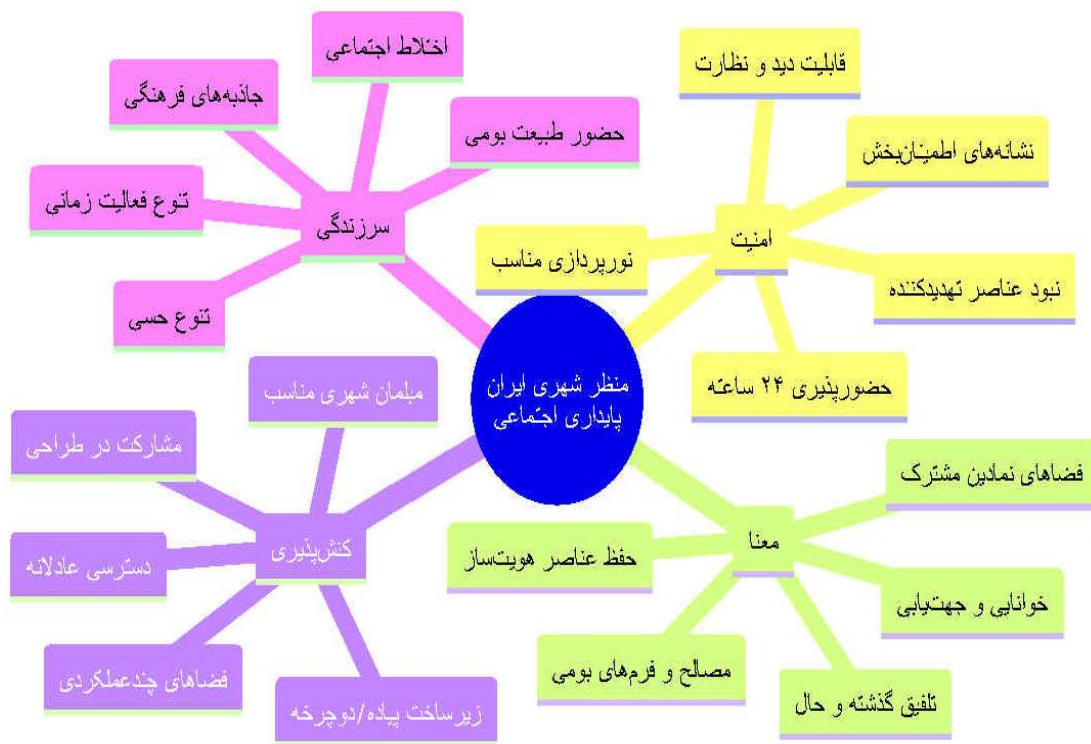
پایداری منظر اجتماعی، مفهومی است که پایداری را از حیثه‌های صرفاً زیستمحیطی و اقتصادی به حیثه‌ای کیفی، تجربه‌شده و مرتبط با رفاه انسان گسترش می‌دهد. این مفهوم بر ایجاد مناظری تأکید دارد که نه تنها از نظر اکولوژیک سالم، بلکه از نظر اجتماعی عادلانه، فراگیر، معنادار و تاب‌آور هستند. (Talen, 2018) شاخص‌های کلیدی SLS شامل موارد زیر است:

- حس تعلق مکانی: (Place Attachment) یک پیوند عاطفی-شناختی عمیق بین فرد و مکان خاص. این مفهوم که خود شامل وابستگی مکان (ارزش کارکردی) و هویت مکان (ارزش نمادین) است، پیش‌بین‌کننده قوی رفتارهای حفاظتی و مشارکت مدنی است. (Scannell & Gifford, 2010)
- سرمایه اجتماعی: (Social Capital) شبکه‌های اعتماد، هنجارها و ارتباطاتی که همکاری و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند.

- انصاف فضایی (Spatial Justice): توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در فضا، و حق همه شهروندان برای ساختن شهر.
- قابلیت خوانش فرهنگی منظر (Cultural Legibility): میزانی که یک منظر، لایه‌های تاریخی، نمادها و روایت‌های فرهنگی یک جامعه را بیان و قابل درک می‌سازد.

در ادبیات داخلی، (حناچی و پیربابایی، ۱۳۹۵) با ارائه چارچوبی بومی، شاخص‌های پایداری اجتماعی منظر شهری را در چهار محور «امنیت» (احساس آرامش)، «معنا» (هویت و خاطره)، «کنش‌پذیری» (فرصت برای فعالیت و مشارکت) و «سرزندگی» (تنوع و جذابیت) دسته‌بندی کرده‌اند. این چارچوب، ابزار مناسبی برای ارزیابی کیفیت اجتماعی مناظر شهری ایران فراهم می‌آورد.

نمودار ۱ - چارچوب بومی ارزیابی پایداری اجتماعی منظر شهری ایران



جدول ۱ - شاخص‌های ارزیابی

محور	تعریف	شاخص‌های کلیدی	نمونه‌های تهران
امنیت	احساس آرامش و ایمنی	۱. امنیت فیزیکی ۲. آرامش روانی ۳. ایمنی عابرین	باغ‌های ایرانی، پارک‌های محلی
معنا	هویت و خاطره جمعی	۱. حفظ هویت تاریخی ۲. خاطره‌انگیزی ۳. خوانایی محیط	پیاپاده‌راه‌های تاریخی، بافت‌های قدیمی
کنش‌پذیری	فرصت فعالیت و مشارکت	۱. فرصت‌های فعالیتی ۲. مشارکت شهروندی ۳. قابلیت دسترسی	فضاهای عمومی چندعملکردی
سرزندگی	تنوع و جذابیت محیطی	۱. تنوع کاربری ۲. جذابیت بصری ۳. تعاملات اجتماعی	میدان‌های شهری، فضاهای تجمع

۲.۴. شکاف پژوهشی: فقدان پیوند تئوریک و زمینه‌مند

با وجود غنای مطالعات در هر یک از سه حوزه فوق، یک شکاف بزرگ و ساختاری در ادبیات پژوهشی مشهود است. مطالعات بسیاری به صورت موازی و مجزا پیش رفته‌اند:

- مطالعاتی به رابطه آیین و فضا پرداخته‌اند، اما نقش تسهیل‌گرانه یا تقویت‌کننده کیفیت‌های اکوسیستمی آن فضا را چندان مورد توجه قرار نداده‌اند. (لطیفی و همکاران، ۱۴۰۰)
- پژوهش‌هایی به ارزیابی کمی خدمات اکوسیستمی شهری پرداخته‌اند، اما پیوند این خدمات با نهادهای اجتماعی-فرهنگی قدرتمندی مانند آیین را بررسی نکرده‌اند. (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۹)
- تحقیقات مربوط به پایداری اجتماعی منظر نیز عموماً بر شاخص‌های کلی تمرکز دارند و کمتر به بررسی مکانیزم‌های خاصی که از طریق آن، یک فعالیت جمعی (مانند آیین) می‌تواند این شاخص‌ها را تقویت کند، پرداخته‌اند. (حناچی و پیربایابی، ۱۳۹۵)
- به عبارت ساده، زنجیره منطقی و تئوریک بین این سه مفهوم (که چگونه خدمات ارائه‌شده توسط طبیعت شهری (CES)، کیفیت و تأثیر کنش آیینی را غنا می‌بخشد، و این کنش غنی‌شده، به نوبه خود چگونه شاخص‌های پایداری منظر اجتماعی (SLS) مانند حس تعلق و سرمایه اجتماعی را ارتقا می‌دهد) به شکل نظام‌مند و در بافت ویژه شهرهای

شرایط ورود به مرحله تحلیل تشخیص داده شدند. جزییات این فرآیند در نمودار جریان PRISMA (جدول ۲) ارائه شده است.

- ارزیابی کیفیت مطالعات: کیفیت روش شناختی مقالات منتخب با استفاده از چک‌لیست‌های استاندارد (مانند CASP برای مطالعات کیفی و JBI برای مطالعات کمی) توسط دو ارزیاب مستقل بررسی و نمره‌دهی شد. اختلاف نظر از طریق بحث با ارزیاب سوم حل گردید.
- استخراج و سنتز داده‌ها: داده‌های مربوط به یافته‌ها، مفاهیم کلیدی، زمینه مطالعه و نتایج از هر مقاله استخراج و در یک ماتریس استخراج داده سازماندهی شد. برای سنتز داده‌های کیفی، از رویکرد تلفیق فراترکیب (Meta-synthesis) به روش سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶) استفاده گردید. در این روش، مفاهیم و مضامین مقالات، کدگذاری اولیه شده و سپس در قالب مقولات تفسیری بالاتر ادغام شدند. این خروجی، ماده خام اولیه برای فاز دوم تحقیق را فراهم کرد.

جدول ۲ - فرآیند غربالگری و انتخاب نهایی مطالعات

مرحله	اقدام / معیار	تعداد مطالعات	ملاحظات
۱. شناسایی	جستجوی اولیه در پایگاه‌های اطلاعاتی (اسکوپوس، وب آو ساینس، ساینس دایرکت، SID، مگیران، نورمگز، سیولیکا).	۲۱۵۸ رکورد	کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی مرتبط با سه مفهوم اصلی پژوهش.
	شناسایی از طریق سایر منابع (بررسی منابع مقالات کلیدی، پیشنهاد خبرگان).	۱۲ رکورد	
۲. حذف تکراری‌ها	حذف رکوردهای تکراری در نرم‌افزار EndNote.	۲۱۱ رکورد حذف شد	
۳. غربالگری (عنوان و چکیده)	بررسی اولیه برای ارزیابی ارتباط کلی با موضوع پژوهش.	۱۹۴۷ رکورد بررسی شد	
	حذف به دلیل عدم ارتباط با پرسش‌های پژوهش.	۱۸۳۰ رکورد حذف شد	
۴. واجدیت‌یابی (متن کامل)	دریافت و ارزیابی متن کامل مقالات باقی‌مانده.	۱۱۷ مقاله ارزیابی شد	کیفیت با چک‌لیست‌های استاندارد (CASP/JBI) سنجیده شد.
	دلیل حذف: • عدم تمرکز بر رابطه سه‌گانه مورد نظر. • کیفیت روش شناختی ناکافی. • عدم دسترسی به متن کامل.	۷۰ مقاله حذف شد (۴۳ + ۱۹ + ۸)	
۵. مطالعات نهایی	مطالعات واجد شرایط برای ورود به سنتز کیفی و تحلیل نظریه داده‌بنیاد.	۴۷ مقاله	

۳.۲. فاز دوم: نظریه‌پردازی داده‌بنیاد سازه‌گرا (Constructivist Grounded Theory)

از آنجایی که هدف، توسعه یک نظریه زمینه‌مند بود، از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (GT) به رویکرد شارمز (۲۰۰۶) استفاده شد. داده‌های این فاز، متون ۴۷ مقاله منتخب فاز اول بودند. این رویکردی مقرون‌به‌صرفه و عمیق برای نظریه‌پردازی از ادبیات موجود است.

- کدگذاری باز (Open Coding): متن کامل مقالات (با تأکید بر بخش‌های یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری) خط به خط بررسی و کدگذاری اولیه شد. این فرآیند با نرم‌افزار کیفی MAXQDA 2020 انجام پذیرفت. در این مرحله، ۲۳۰ کد اولیه با برجسب‌های توصیفی ایجاد شد (مانند: «درخت کهنسال به عنوان نماد استقامت در مراسم»، «آرامش حاصل از صدای آب در حین دعا»).
- کدگذاری محوری (Axial Coding): در این مرحله، کدهای اولیه بر اساس اشتراکات مفهومی در قالب مقوله‌های فرعی دسته‌بندی شدند. سپس، این مقوله‌های فرعی حول یک مقوله محوری که قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری داشت، سازماندهی گردیدند. در نهایت، ۱۵ مقوله فرعی و ۵ مقوله محوری شکل گرفتند. روابط بین مقولات (علی، زمینه‌ای، راهبردی و ...) شناسایی و ترسیم شد.
- کدگذاری انتخابی (Selective Coding) و تدوین مدل پارادایمی: در این مرحله نهایی، یک مقوله هسته‌ای (Core Category) که توانایی توضیح و یکپارچه‌سازی تمامی مقولات محوری دیگر را داشت، انتخاب و تعریف شد. حول این مقوله هسته‌ای، مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد شامل شرایط علی، پدیده محوری، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تدوین گردید. مدل نهایی، نظریه نوظهور را به صورت تصویری نشان می‌دهد.
- اعتباربخشی و پایایی: برای اطمینان از صحت تحلیل، از راهبردهای مثلث‌سازی (استفاده از چندین منبع داده و کدگذار)، بازبینی توسط هم‌تایان (بحث در مورد کدها و مقولات با دو پژوهشگر آشنا با روش GT)، و بازگشت به داده‌ها برای بررسی انطباق نظریه با داده‌های خام استفاده شد. یک حسابرسی قابل پیگیری (Audit Trail) از تمامی مراحل تصمیم‌گیری تحلیلی نگهداری شد.

۳.۳. ملاحظات اخلاقی

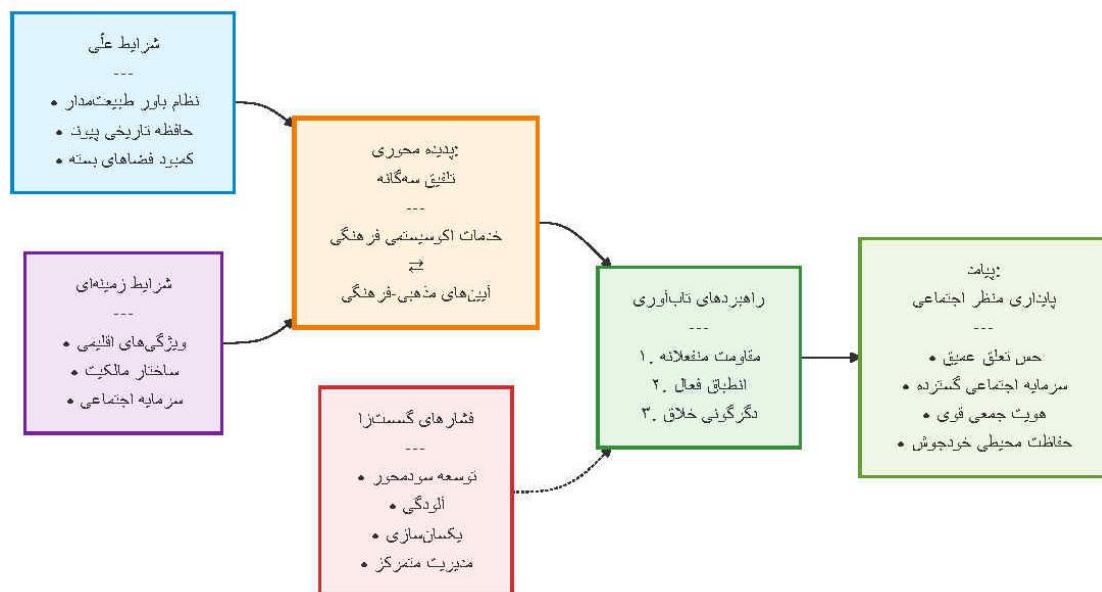
با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش متون منتشرشده بودند، اصل ارجاع صحیح و پرهیز از سرقت ادبی به دقت رعایت شد. برای مقالاتی که در فاز اول از آنها استفاده شد، اطلاعات کتاب‌شناختی به طور کامل ثبت گردید.

این روش‌شناسی دو مرحله‌ای، نه تنها خلأ موجود در ادبیات را از طریق سنتز نظام‌مند پر می‌کند، بلکه با خلق یک نظریه نوپدید و زمینه‌مند، درکی عمیق‌تر و کاربردی از پویایی‌های رابطه انسان، طبیعت و فرهنگ در منظر شهری ایران ارائه می‌دهد.

یافته‌ها: صورتبندی یک نظریه زمینه‌مند از تعامل پیچیده اکوسیستم، فرهنگ و جامعه شهری

تحلیل نظام‌مند داده‌های متنی ۴۷ مطالعه منتخب، مبتنی بر پروتکل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد سازه‌گرا (Charmaz, 2006)، منجر به ظهور یک چارچوب نظری یکپارچه با عنوان «نظریه یکپارچگی منظر فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور» (Resilient Socio-Cultural Landscape Integration Theory) گردید. این نظریه در قالب یک مدل پارادایمی (نمودار ۴) ارائه می‌شود که روابط پویا بین مقولات کلیدی را در یک ساختار علی-راهبردی تبیین می‌کند. فرآیند کدگذاری از ۲۳۰ کد اولیه، به ۱۵ مقوله فرعی و در نهایت ۵ مقوله محوری و یک پدیده هسته‌ای ختم شد.

نمودار ۴ - مدل پارادایمی نظریه یکپارچگی منظر فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور



۴.۱. مفاهیم و مقولات محوری: تشریح نظری و شواهد تجربی

مقوله ۱: قداست‌زایی اکوسیستمی (Ecospheric Sanctification)

این مقوله به فرآیند پیچیده‌ای اشاره دارد که در آن، ویژگی‌های فیزیکی و اکولوژیک یک مکان شهری، از طریق کنش‌های آیینی تکراری و نظام‌های معنایی فرهنگی، مشروعیت، ارزش نمادین و گاه قداستی فراطبیعی کسب می‌کنند (از نظر Turner، عبور از «ساختار» به «اجتماع انگاری»).

این فرآیند چند جهته و تقویتی است:

- گزینش مبتنی بر قابلیت‌های اکولوژیک: جامعه، مکان‌هایی را برای آیین برمی‌گزیند که از «قابلیت‌های نهفته اکوسیستمی (Latent Ecosystemic Capabilities)» برخوردارند: سایه‌داری درختان کهنسال برای تجمع طولانی،

حضور آب برای وضو و طهارت، وسعت چشم‌انداز برای تمرکز معنوی، یا تپه‌ای طبیعی برای خطابه (مطابق با ابعاد CES در چارچوب CICES).

- تخصیص ارزش فرهنگی و دینی: برگزاری آیین در این مکان، لایه‌ای از معنا و «روایت‌سازی جمعی» (Collective Narrativization) بر آن می‌افزاید. این مکان از یک عنصر طبیعی صرف، به یک «نشانه‌ی فرهنگی» (Cultural Signifier) و سپس یک «مکان نمادین» (Symbolic Place) تبدیل می‌شود. (Lefebvre, 1991)
- پیامد حفاظتی خودجوش: این فرآیند معناسازی، منجر به شکل‌گیری یک «نظم اخلاقی-محیطی غیررسمی» می‌شود که تخریب آن مکان را عملی ناپسند و گاه گناه‌آلود جلوه می‌دهد. شواهد متعدد از مطالعات میدانی (نظیر پژوهش‌های موردی در اصفهان و شیراز) نشان می‌دهد که «درختان چنار امامزاده‌ها» یا «حوض‌های آب در مساجد تاریخی» نه تنها حفظ شده‌اند، بلکه به کانون‌های نگهداری و توجه فعال جامعه تبدیل شده‌اند. این یافته، سازوکاری فراتر از ارزش‌گذاری اقتصادی خدمات اکوسیستمی را نشان می‌دهد: حفاظت از طریق معناداری.

مقوله ۲: تعامل اجتماع‌ساز (Community-Generating Interaction)

این مقوله بر کیفیت متمایز کنش متقابل اجتماعی در فضاهای سبز غنی از CES در حین آیین‌ها تأکید دارد. این فضاها با تعدیل ساختارهای اجتماعی معمول، به «کارگزاران تولید سرمایه اجتماعی ویژه‌ای» تبدیل می‌شوند:

- تولید سرمایه اجتماعی «پیونددهنده» (Bridging Social Capital): بر خلاف فضاهای بسته و نهادینه که عمدتاً سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی» (Bonding Social Capital) را تقویت می‌کنند، گشودگی و انعطاف فضای سبز، امکان تعاملات «تصادفی»، «موقت» و «مکرر» را بین افراد از محلات، طبقات و نسل‌های مختلف فراهم می‌آورد (Putnam, 2000). این تعاملات ضعیف اما گسترده، برای انسجام در مقیاس کلان‌شهری حیاتی است.
- ایجاد «فضای سوم» (Third Place) آیینی: این فضاها، ویژگی‌های «مکان سوم» اولدنبرگ (Oldenburg, 1989) را (دسترسی آسان، غیررسمی بودن، و امکان گفت‌وگوی بی‌پرده) با بعد معنایی آیین تلفیق می‌کنند. آنها نه خانه‌اند (فضای اول) و نه محل کار (فضای دوم)، بلکه عرصه‌ای عمومی برای ساختن و تجربه‌کردن جمعیت هستند.
- تسهیل انتقال بین‌نسلی دانش بومی: فضای غیررسمی و مشارکتی، بستری ایده‌آل برای «یادگیری موقعیت‌مند» (Situated Learning) و انتقال شفاهی روایت‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و دانش محیطی مرتبط با آیین و مکان از سالمندان به جوان‌ترها فراهم می‌کند. (Lave & Wenger, 1991)

مقوله ۳: حافظه مکانی جمعی (Collective Spatial Memory)

این مقوله، بر سازوکار «نهشت‌سازی تاریخی» (Historical Embedding) در منظر تأکید دارد. تداوم آیین در یک مکان طبیعی، آن را به یک «متن لایه‌لایه» (Palimpsest) «از خاطرات جمعی تبدیل می‌کند» (Crang & Travlou, 2001).

• از «فضا» تا «مکان حافظه‌دار»: بر اساس نظریه «حس مکان» (Relph, 1976)، این فرآیند، مکان را از یک «موقعیت جغرافیایی» (Site) به یک «مکان اصیل» (Authentic Place) با عمق اگزستانسیال ارتقا می‌دهد. افراد نه به دلیل کارکرد امروزی، که به دلیل «تاریخ زیسته مشترک» به آن تعلق خاطر پیدا می‌کنند.

• مکان به مثابه «سرمایه نمادین» (Symbolic Capital): این حافظه جمعی، به مکان «قدرت نمایندگی» (Representational Power) می‌بخشد. مکان به نمادی از هویت گروهی تبدیل می‌شود و تخریب آن به مثابه حمله به هویت جمعی تلقی می‌گردد. (Harvey, 1996) این امر، جامعه را به یک «ذینفع عاطفی قدرتمند» تبدیل کرده و پایه‌ای برای مقاومت در برابر تغییرات تحمیلی ناسازگار فراهم می‌آورد.

مقاله ۴: فشارهای گسست‌زا (Disruptive Pressures) و راهبردهای تاب‌آوری منظرین (Landscape Resilience Strategies)

این دو مقوله به هم پیوسته، نشان می‌دهند که سیستم تلفیق‌یافته‌ی منظر فرهنگی-اجتماعی، یک سیستم ایستا نیست، بلکه در تعامل پویا با نیروهای مخرب قرار دارد و از طریق راهبردهای انطباقی پاسخ می‌دهد.

• فشارهای گسست‌زا: این فشارها عمدتاً ناشی از «منطق تولید فضای سرمایه‌دارانه» (Capitalist Spatial Production) (Lefebvre, 1974) و «سیاست‌های یکسان‌ساز مدرنیستی» در مدیریت شهری است. آنها چرخه تلفیق را از دو سو مورد حمله قرار می‌دهند: تخریب بستر فیزیکی (طبیعت) و تضعیف یا حاشیه‌سازی کنش اجتماعی (آیین).

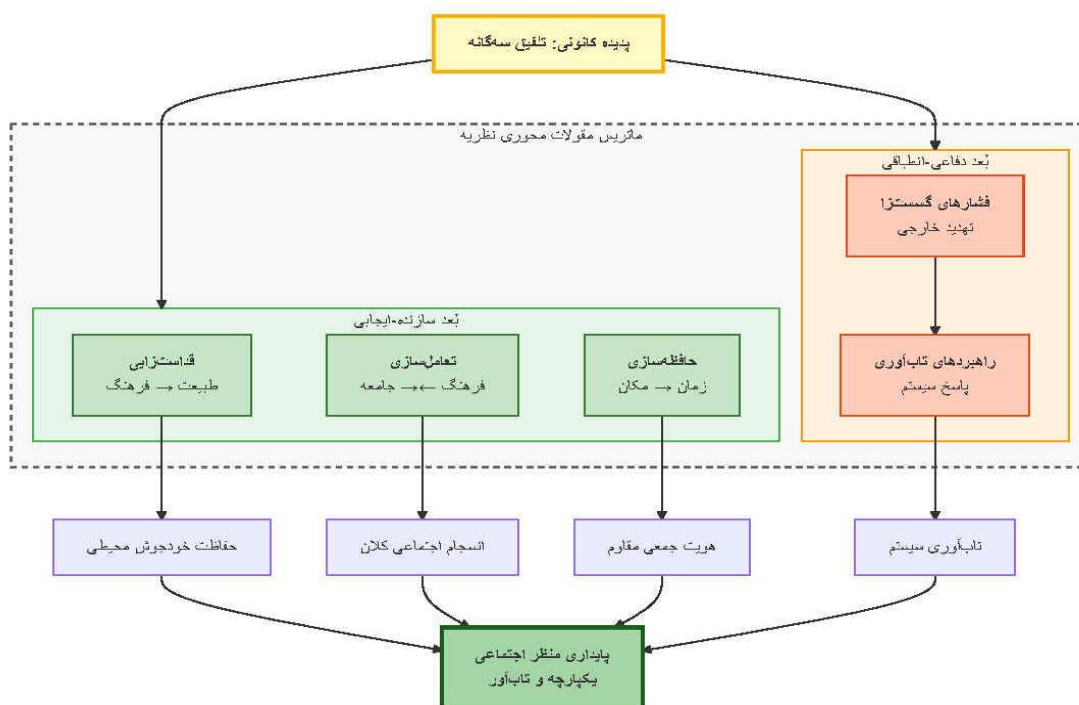
• راهبردهای تاب‌آوری: پاسخ جامعه به این فشارها، مطابق با طیف تاب‌آوری سیستم‌های پیچیده انطباقی (Folke et al., 2010) است:

- مقاومت (Resistance): تلاش برای حفظ ساختار و عملکرد سیستم در برابر تغییر (مانند اقدامات حقوقی).
- انطباق (Adaptation): تعدیل سیستم در حین حفظ هویت اصلی آن (مانند جابجایی).
- دگرگونی (Transformation): بازتعریف بنیادین سیستم و ایجاد یک نظام پایدارتر جدید. راهبرد «دگرگونی خلاق» (مانند تلفیق کاشت درخت با آیین عاشورا)، نشان‌دهنده بالاترین سطح تاب‌آوری است؛ جایی که فرهنگ، نه تنها در برابر تخریب محیطی مقاومت می‌کند، بلکه به «موتور محرکه بازاحیای اکولوژیک» تبدیل می‌شود.

۴.۲. پدیده محوری: تلفیق سه‌گانه – (Triadic Integration) هسته نظریه

همه مقولات فوق، حول این پدیده مرکزی معنادار می‌شوند. «تلفیق سه‌گانه» یک فرآیند رابطه‌ای پویا و بازتولیدشونده است، نه یک وضعیت ایستا.

- خدمات اکوسیستمی فرهنگی به عنوان «امکان‌بخش» (Enabler) عمل می‌کنند. آنها شرط لازم اما ناکافی هستند؛ ماده خام معناسازی.
 - آیین‌های مذهبی-فرهنگی به عنوان «فعال‌ساز معناساز» (Meaning-Making Activator) وارد عمل می‌شوند. آیین، این ماده خام را «می‌رباید» (Appropriates)، تفسیر می‌کند، و در روایت‌ها و کنش‌های خود «بازمی‌آفریند» (Re-creates). اینجاست که «طبیعت» به «فرهنگ طبیعت‌بنیاد» تبدیل می‌شود.
 - این تعامل دیالکتیک، خروجی‌هایی مانند حس تعلق مکانی عمیق‌شده و سرمایه اجتماعی گسترده‌شده تولید می‌کند که ذات پایداری منظر اجتماعی تاب‌آور را شکل می‌دهند. این پایداری، به نوبه خود، شرایط بهینه‌تری برای تداوم هم آیین (به عنوان یک نهاد اجتماعی) و هم سلامت اکوسیستم حامی آن فراهم می‌آورد. بنابراین، این نظریه یک چرخه تقویتی مثبت (Positive Feedback Loop) را پیشنهاد می‌دهد که در آن فرهنگ و طبیعت، یکدیگر را در یک سیستم شهری پایدار تقویت و حفظ می‌کنند.
- این صورت‌بندی نظری، نشان می‌دهد که آیین‌ها در شهر ایرانی، مصرف‌کنندگان منفعل فضا نیستند، بلکه کنشگران فعال و ضروری در سیستم socio-ecological شهری هستند که با عمل تفسیر و معنابخشی خود، بقا و تاب‌آوری متقابل سیستم اجتماعی و اکولوژیک را تضمین می‌کنند.



نمودار ۵ - دسته‌بندی مفهومی مقولات در دو بُعد سازنده و دفاعی

۳- بحث: تبیین یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های کلان و مقایسه تطبیقی

یافته‌های این پژوهش که در قالب «نظریه یکپارچگی منظر فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور» صورت‌بندی شد، نه تنها یک مدل توصیفی، بلکه یک چارچوب تبیینی قدرتمند ارائه می‌دهد که در چندین سطح نظری قابل بحث و تحلیل است.

۵.۱. همسویی با نظریه‌های روانشناسی محیط و شناخت سرزده:

مدل به دست آمده، به طور مستقیم با نظریه «بازسازی توجه» (Attention Restoration Theory - ART) کاپلان و کاپلان (۱۹۸۹) هماهنگی عمیقی دارد. ART استدلال می‌کند که محیط‌های طبیعی دارای کیفیت‌هایی مانند «فراخوانی دید» (Extent)، «جذابیت نرم» (Soft Fascination)، «دوری» (Being Away) و «سازگاری» (Compatibility) هستند که امکان بازیابی ظرفیت شناختی چه شده را فراهم می‌کنند. در مدل حاضر، «خدمات اکوسیستمی فرهنگی» دقیقاً حامل این کیفیت‌ها هستند. برگزاری آیین در چنین محیط‌هایی، تنها یک تجمع فیزیکی نیست؛ بلکه یک «تجربه شناختی-عاطفی غنی‌شده» است. محیط طبیعی، با کاهش بار پردازش اطلاعات پیچیده (نظیر آلودگی بصری و صوتی فضاهای مصنوعی شلوغ)، «فضای ذهنی» لازم را برای تمرکز بر امور معنوی، تعمق در مفاهیم نمادین آیین و درگیری عمیق‌تر با دیگران فراهم می‌آورد. بنابراین، آیین در بستر طبیعی، از یک «تکلیف شناختی مضاعف» به یک «فرآیند ترمیمی و یکپارچه‌ساز» تبدیل می‌شود.

۵.۲. خوانش از منظر اکولوژی سیاسی شهری و عدالت محیطی:

مدل نظری این پژوهش، مؤید دیدگاه‌های «اکولوژی سیاسی شهری» (Heynen et al., 2006) است. این دیدگاه تأکید می‌کند که دسترسی به مزایای محیطی (مانند فضاهای سبز باکیفیت) و توزیع مخاطرات محیطی (مانند آلودگی) امری «سیاسی» و متأثر از روابط قدرت است. یافته‌های مربوط به «فشارهای گسست‌زا» (توسعه سودمحور، مدیریت متمرکز) عیناً نشان‌دهنده همین نبرد سیاسی بر سر فضا است. جوامع محلی، با استفاده از «سرمایه نمادین» انباشته‌شده از طریق آیین‌ها (مقوله حافظه مکانی)، در برابر منطق کالایی‌شدن فضا مقاومت می‌کنند. از این منظر، آیین‌ها تنها فعالیت‌های فرهنگی نیستند، بلکه «ابزارهایی برای اعمال حق به شهر» (Lefebvre, 1968) و تحقق «عدالت محیطی» (Environmental Justice) هستند. دفاع از یک باغ محلی به عنوان محل برگزاری مراسم، در واقع دفاع از حق دسترسی عادلانه آن جامعه به خدمات اکوسیستمی فرهنگی و مشارکت در شکل‌دهی به منظر شهری است.

۵.۳. تعامل با نظریه سیستم‌های پیچیده انطباقی و تاب‌آوری:

فرآیند «تلفیق سه‌گانه» و ظهور «راهبردهای تاب‌آوری» در مواجهه با اختلالات، این مدل را به چارچوب «سیستم‌های پیچیده انطباقی اجتماعی-اکولوژیک» (Socio-Ecological Systems - SES) (فولک و همکاران ۲۰۰۵) پیوند می‌زند. در این چارچوب، تاب‌آوری به معنای ظرفیت سیستم برای جذب آشفتگی و سازمان‌دهی مجدد خود، در حالی که ساختار، هویت و عملکردهای اصلی را حفظ می‌کند، تعریف می‌شود. مدل حاضر نشان می‌دهد که آیین‌ها چگونه به عنوان یک «سازوکار تنظیم‌کننده اجتماعی» عمل می‌کنند. آنها از طریق تقویت حس تعلق و سرمایه اجتماعی (عملکرد اجتماعی)، انگیزه‌ای برای حفاظت از بستر طبیعی (عملکرد اکولوژیک) ایجاد می‌کنند و بدین ترتیب «تاب‌آوری یکپارچه» سیستم را افزایش می‌دهند. راهبرد «دگرگونی

خلاق» (مانند تلفیق کاشت درخت با آیین) نمونه‌ای عالی از «تاب‌آوری تحول‌آفرین» (Transformative Resilience) است که در آن سیستم نه تنها به حالت قبل بازمی‌گردد، بلکه به وضعیت مطلوب‌تر و پایدارتری تکامل می‌یابد.

۵.۴. گسست از پارادایم‌های رایج برنامه‌ریزی و نوآوری نظری مدل:

این نظریه، یک گام فراتر از پارادایم‌های رایج در برنامه‌ریزی شهری و طراحی منظر برمی‌دارد:

- فراتر از رویکرد «فضای سبز به مثابه ریه شهر»: این مدل نشان می‌دهد فضاهای سبز، فراتر از کارکردهای فیزیکی (تولید اکسیژن، کاهش دما)، «ارگان‌های فرهنگی-اجتماعی» حیاتی شهر هستند که به سیستم شهری «معنا»، «هویت» و «انعطاف‌پذیری» می‌بخشند.
- فراتر از رویکرد «آیین به مثابه مصرف‌کننده فضا»: آیین‌ها در این مدل، «تولیدکنندگان فعال فضا» و «بازتولیدکنندگان سرمایه اجتماعی-نمادین» هستند. آنها مصرف‌کنندگان منفعل خدمات اکوسیستمی نیستند، بلکه «هم‌آفرینان» منظر شهری پایدارند.
- ارائه چارچوبی برای «طراحی رابطه‌محور»: این مدل، مبنایی برای عبور از «طراحی شیء‌محور» (تأکید بر فرم، مصالح، گونه گیاهی) به سمت «طراحی رابطه‌محور» فراهم می‌کند. در این پارادایم، هدف طراح، خلق فضاهایی است که «قابلیت میزبانی و تقویت این تعاملات سه‌گانه» را داشته باشند.

۴- نتیجه‌گیری نهایی و دلالت‌های راهبردی

۶.۱. جمع‌بندی نظری:

این پژوهش با استفاده از روش مرور سیستماتیک و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، موفق به ارائه «نظریه یکپارچگی منظر فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور» شد. هسته مرکزی این نظریه، پدیده «تلفیق سه‌گانه» است که در آن، خدمات اکوسیستمی فرهنگی (به عنوان بستر توانمندساز) و آیین‌های مذهبی-فرهنگی (به عنوان کنش معناساز) در یک رابطه دیالکتیکی متقابل قرار می‌گیرند. حاصل این تعامل، ظهور پنج مقوله محوری قداست‌زایی اکوسیستمی، تعامل اجتماع‌ساز، حافظه مکانی جمعی، فشارهای گسست‌زا و راهبردهای تاب‌آوری است که در نهایت به پایداری منظر اجتماعی با قابلیت تاب‌آوری بالا منجر می‌شود. این نظریه نشان می‌دهد که در بافت شهرهای ایران، پایداری یک امر «تکنوکراتیک-زیست‌محیطی» صرف نیست، بلکه پدیده‌ای عمیقاً «اجتماعی-فرهنگی-اکولوژیک» و درهم‌تنیده است.

۶.۲. دلالت‌های راهبردی برای عمل:

یافته‌های این پژوهش، دلالت‌های عملی مهمی برای سطوح مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی دارد:

الف) برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری:

- بازتعریف فضاهای سبز به مثابه «زیرساخت‌های حیاتی فرهنگی-اجتماعی»: ضرورت دارد در اسناد بالادست (مانند طرح‌های جامع و تفصیلی)، فضاهای سبز نه صرفاً بر اساس سرانه و عملکرد اکولوژیک، که بر اساس «ظرفیت آیین‌پذیری» و «ارزش خدمات فرهنگی‌شان» نیز طبقه‌بندی و حفاظت شوند.
- تدوین «منشور حفاظت از مناظر فرهنگی-طبیعی شهری»: شناسایی، مستندسازی و ثبت رسمی «شبکه مکان‌های آیینی دارای ارزش اکوسیستمی بالا» در قالب یک سند حفاظتی ویژه، مشابه پرونده‌های میراث فرهنگی.
- توسعه حکمروایی مشارکتی: ایجاد سازوکارهای نهادی مانند «کمیته‌های مشترک مدیریت محلی فضاهای سبز آیینی»، برای مشارکت دادن فعال نمایندگان جوامع محلی و نهادهای مذهبی-فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های مدیریت، نگهداری و طراحی این فضاها.

(ب) برای طراحان و برنامه‌ریزان منظر:

- تغییر پارادایم طراحی از «فرم‌محور» به «فرآیندمحور»: هدف طراحی، نباید صرفاً خلق یک «فرم» زیبا باشد، بلکه باید «طراحی بستری برای وقوع فرآیندهای اجتماعی-فرهنگی مطلوب» (مانند آیین‌ها) مدنظر قرار گیرد. این به معنای توجه به معیارهایی مانند انعطاف‌پذیری فضایی، قابلیت تجمع‌پذیری، وجود نقاط کانونی طبیعی و تقویت حس مکان است.
- اجرای «ارزیابی ظرفیت خدمات اکوسیستمی فرهنگی» (CES Audit): گنجاندن این ارزیابی به عنوان یک مرحله اجباری در مطالعات پیش‌از طراحی هر پروژه شهری. این ارزیابی باید بتواند پتانسیل‌های سایت برای ارائه خدمات معنوی، زیبایی‌شناختی و تفریحی را بسنجد.
- اصول طراحی «منظر آیین‌بنیاد» (Ritual-Based Landscape Design):
 - * حفظ و تقویت عناصر طبیعی نمادساز: مانند درختان کهنسال، عناصر آب، نقاط با چشم‌انداز وسیع.
 - * طراحی برای تجمع‌های مقیاس‌پذیر: ایجاد فضاهای باز سلسله‌مراتبی که از تجمعات کوچک محلی تا گردهمایی‌های بزرگ را پشتیبانی کند.
 - * تلفیق فضاهای باز و نیمه‌باز: ایجاد رواق، سایبان‌های طبیعی و فضاهای مرزی که هم محافظت در برابر جوی را فراهم کند و هم پیوند با طبیعت را حفظ نماید.
 - * استفاده از گونه‌های گیاهی با جاذبه حسی چندگانه: گیاهان خوش‌بو، درختان سایه‌دار پراهمیت، گیاهان با رنگ‌های معنادار در فرهنگ محلی.

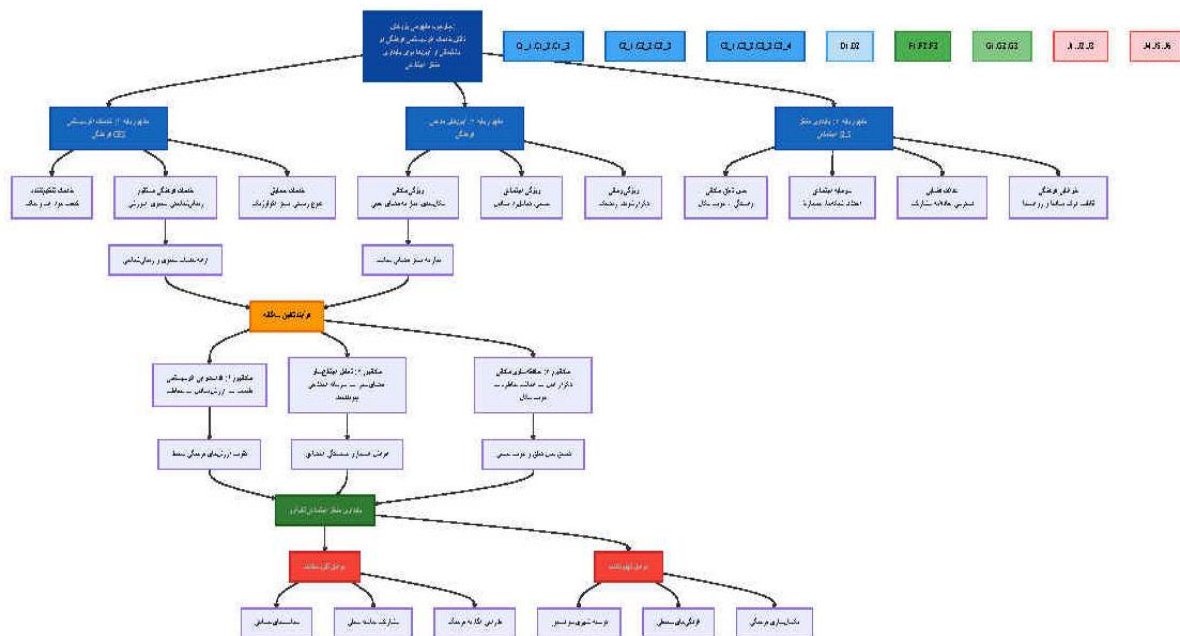
۶.۳. محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی:

- این پژوهش با تمرکز بر سنتز ادبیات موجود و نظریه‌پردازی، محدودیت‌هایی دارد که راه را برای مطالعات بعدی می‌گشاید:
 - آزمون تجربی مدل: ضروری است این مدل نظری در مطالعات میدانی کمی (با پرسشنامه‌های ساختاریافته) و کیفی (با مشاهده مشارکتی طولی) در شهرهای مختلف ایران با بافت‌های فرهنگی-مذهبی متنوع مورد آزمون قرار گیرد تا قدرت پیش‌بینی و تعمیم‌پذیری آن سنجیده شود.
 - مطالعات تطبیقی بین‌فرهنگی: بررسی این مدل در بافت شهرهای سایر فرهنگ‌ها (مانند کشورهای عربی، ترکیه، شبه‌قاره هند) می‌تواند به درک جهان‌شمول یا زمینه‌مند بودن این روابط کمک کند.

- تحلیل نقش فناوری‌های دیجیتال: پژوهش در مورد اینکه چگونه فضاهای دیجیتال و مجازی می‌توانند یا نمی‌توانند جایگزین یا مکمل این تعاملات سه‌گانه در فضای فیزیکی شوند.
- تمرکز بر آیین‌های غیرمذهبی و معاصر: بررسی ظرفیت این چارچوب برای تبیین رابطه بین فضاهای طبیعی و کنش‌های جمعی معاصر مانند جشنواره‌های هنری خیابانی، اعتراضات مدنی یا گردهمایی‌های ورزشی.

جمع‌بندی نهایی:

منظر شهری پایدار، منظر «زیسته‌شده» و «معنادار» است. این پژوهش نشان داد که در شهرهای ایران، این معنا و حیات، تا حد زیادی از طریق آیین‌ها [این نهادهای کهن اما پویای فرهنگی] و در بستر طبیعت شهری جریان می‌یابد. «نظریه یکپارچگی منظر فرهنگی-اجتماعی تاب‌آور» تلاشی است برای فهم نظام‌مند این جریان پیچیده. پذیرش دلالت‌های این نظریه، مستلزم تحولی پارادایمی در نگاه مدیران و طراحان شهری است: تحولی از دیدن طبیعت به مثابه «تزئینات شهر» به دیدن آن به مثابه «بستر ضروری حیات فرهنگی و انسجام اجتماعی شهر». آینده شهرهای ایرانی در گرو حفظ و تقویت این پیوند عمیق و تاب‌آور بین سنگ و آب، درخت و خیابان، و در نهایت، بین طبیعت و معنای جمعی است.



نمودار ۶ - سلسله مراتب چارچوب مفهومی پژوهش

References

- Ahmadi Barough, S., & Haghghat Bin, M. (2025). Strengthening the utilization of cultural ecosystem services in urban parks with emphasis on semantic organization and cultural values. *Geographical Space Quarterly*, 25(91), 25–52. [In Persian]
- Ali Lou, M., Kazemi, E., & Pourmohammadi, M. R. (2019). Examining the relationship between desirable urban space and mourning rituals: A case study of Muharram ceremonies in Khatib neighborhood, Tabriz. *Geography and Planning Journal*, 23(70), 29–57. [In Persian]
- Daniel, T. C., Muhar, A., Arnberger, A., Aznar, O., Boyd, J. W., Chan, K. M. A., Costanza, R., Elmqvist, T., Flint, C. G., Gobster, P. H., Grêt-Regamey, A., Lave, R., Muhar, S., Penker, M., Ribe, R. G., Schauppenlehner, T., Sikor, T., Soloviy, I., Spierenburg, M., & von der Dunk, A. (2012). Contributions of cultural services to the ecosystem services agenda. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109(23), 8812–8819.
- Fish, R., Church, A., & Winter, M. (2016). Conceptualising cultural ecosystem services: A novel framework for research and critical engagement. *Ecosystem Services*, 21, 208–217. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2016.09.002>
- Habibi, S. M. (2019). *From Shar to Shahr: A historical analysis of the concept of city and its physical form in Iran*. University of Tehran Press. [In Persian]
- Haines-Young, R., & Potschin, M. B. (2018). *Common International Classification of Ecosystem Services (CICES) V5.1 and guidance on the application of the revised structure*. European Environment Agency.
- Heynen, N., Kaika, M., & Swyngedouw, E. (Eds.). (2006). *In the nature of cities: Urban political ecology and the politics of urban metabolism*. Routledge.
- Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. Cambridge University Press.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Blackwell.
- Madarak, A., Asl Fallah, P., & Maschi, M. (2016). Street music from past to present: The position of street music in Tehran urban landscape. *Art and Civilization of the Orient*, 4(13), 23–32. [In Persian]
- Meshkini, A., Borhani, K., & Shabanzadeh Namini, R. (2013). Spatial analysis of urban social sustainability assessment. *Geography Quarterly*, 11(39), 187–204. [In Persian]
- Mirzadeh Jahromi, S., Pourjafar, M. R., & Haji Pour, K. (2021). The position of cultural landscape in Iran's architecture and urban planning system: A meta-study of scientific articles. *Iranian Architecture Studies*, 10(19), 231–244. [In Persian]

- Noorouzi, M., & Souzanchi, K. (2022). Examining and comparing the role of urban infrastructures in forming urban green networks. *Armanshahr Architecture and Urban Planning Journal*, 15(40), 221–242. [In Persian]
- Nazmfar, H., Barakbaf, N. S., & Vafadari Kamarolia, D. (2023). Investigating the role of urban parks in citizens' relaxation through enhancement of mental health. *Environmental Science Studies*, 9(2), 8429–8440. [In Persian]
- Pazhouhandeh, N., Shiee, E., & Moeini Far, M. (2022). Explaining key criteria in the process of integrated spatial quality formation in urban public spaces: Case study of Tehran Municipality District 5. *City Identity Quarterly*, 16(49), 17–34. [In Persian]
- Plieninger, T., Dijks, S., Oteros-Rozas, E., & Bieling, C. (2013). Assessing, mapping, and quantifying cultural ecosystem services at community level. *Land Use Policy*, 33, 118–129. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2012.12.013>
- Rahimi, L., Bagheri, M., & Rafeian, M. (2013). Comparative analysis of the impact of spatial scale on residents' attachment model in historical and modern urban neighborhoods: The case of Tabriz. *Urban Management Journal*, 12(33), 143–158. [In Persian]
- Ranjbar, A., Salehi Baladehi, A., & Salehi, A. (2023). Investigating sense of place in the richest human-made landscape (Persian garden): The case of Chahlsotoon Garden, Behshahr. *Research in Art and Humanities*, 8(60), 43–54. [In Persian]
- Sadeghi, Z., Ansari, M., & Haghghat Bin, M. (2023). Identification and prioritization of ecosystem cultural services based on users' perceptions in urban green spaces: The case of Tehran urban parks. *Human Geography Research Quarterly*, 55(123), 223–239. [In Persian]
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1–10. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006>
- Talen, E. (2018). *Neighborhood*. Oxford University Press.
- Turner, V. (1969). *The ritual process: Structure and anti-structure*. Aldine.
- Wu, J. (2021). Landscape sustainability science (II): Core questions and key approaches. *Landscape Ecology*, 36, 2453–2485. <https://doi.org/10.1007/s10980-021-01245-3>

The Role of Cultural Ecosystem Services of Tehran's Historic Gardens in Supporting Religious Rituals and Social Sustainability

Amin mohtashamifar³, MohammadReza Bemanian*⁴

Abstract:

This study was designed with a dual aim: to systematically synthesize existing evidence on the relationships between cultural ecosystem services, rituals, and social landscape sustainability, and to explain the mediating role of cultural ecosystem services in the relationship between rituals and social landscape sustainability in the urban fabric of Iranian cities. In the qualitative phase, a qualitative–integrative systematic review was conducted using a constructivist grounded theory approach. A systematic search in eight national and international databases up to October 2023 led to the selection of 47 articles out of 2,158 initial studies. The data were analyzed using meta-synthesis and the three-stage coding procedure of grounded theory. In the quantitative phase, the research followed a mixed-method (applied–developmental) design and was completed using a researcher-developed questionnaire administered to 300 citizens participating in Muharram and Nowruz rituals in urban green spaces in Isfahan and Tehran. The quantitative data were analyzed with SPSS and SmartPLS software, using confirmatory factor analysis and structural equation modeling. The qualitative synthesis resulted in the development of the “Resilient Cultural–Social Landscape Integration Theory,” whose core is a “triadic integration”: cultural ecosystem services as an enabling context, rituals as an integrative action, and social landscape sustainability as a resilient outcome. Five central categories emerged: ecosystem sacralization, community-building interaction, collective place memory, disruptive pressures, and landscape resilience strategies. The quantitative findings showed that urban regulating (path coefficient = 0.48) and cultural (path coefficient = 0.54) ecosystem services have significant effects on the quality of ritual performance, which in turn directly influences place attachment (0.62) and perceived social cohesion (0.57). Together, these two variables explained 65% of the variance in the social landscape sustainability construct, indicating that urban social landscape sustainability is the product of a dynamic and interactive integration between ecological and socio-cultural systems. Rituals are not merely consumers but completers of the ecosystem–society cycle through reinforcing the meaning of ecosystem services. This study underscores the necessity of shifting from one-dimensional planning toward “resilient cultural–social ecosystem design” and adopting a “ritual-based landscape design” approach as a key strategy in sustainable urban planning.

Keywords: Cultural Ecosystem Services; Urban Rituals; Social Landscape Sustainability; Landscape Resilience; Grounded Theory.

³ PhD student in Landscape Architecture, Department of Architecture, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: a.mohtashamifar@modares.ac.ir

⁴ *Professor of Landscape Architecture, Department of Architecture, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email:bemanian@modares.ac.ir

Introduction:

The rapid transformation of contemporary cities has intensified the need to understand the complex interactions between ecological systems and socio-cultural processes. In Iranian cities, historic gardens represent valuable cultural landscapes that provide a wide range of Cultural Ecosystem Services (CES), including spiritual experiences, place attachment, aesthetic appreciation, and opportunities for social interaction. Simultaneously, religious and cultural rituals constitute an important component of collective identity and social cohesion. Despite growing interest in ecosystem services and social sustainability, limited attention has been given to the mechanisms through which cultural ecosystem services support ritual practices and contribute to social landscape sustainability. Therefore, this study aims to develop a comprehensive theoretical framework explaining the dynamic relationships among cultural ecosystem services, religious rituals, and social landscape sustainability within the context of Iranian urban landscapes.

Methodology:

This research employed an exploratory sequential mixed-method approach. In the first phase, a systematic literature review was conducted following the PRISMA protocol. Relevant studies published between 2001 and 2023 were identified through national and international databases, including Scopus, Web of Science, ScienceDirect, SID, MagIran, Noormags, and Civilica. From an initial pool of 2,158 records, 47 eligible studies were selected after screening and quality assessment. The extracted data were synthesized using meta-synthesis techniques. In the second phase, a constructivist grounded theory approach was applied to the selected studies. Open, axial, and selective coding procedures were conducted using MAXQDA software, resulting in the identification of core categories and the development of an integrated theoretical model. The validity of the findings was ensured through triangulation, peer review, and audit trail procedures.

Discussion:

The findings indicate that cultural ecosystem services function as enabling mechanisms that enhance the quality and meaning of religious and cultural rituals. Through repeated ritual practices, ecological features such as trees, water elements, and historic gardens acquire symbolic and sacred meanings, generating collective place memory and strengthening social bonds. The proposed “Resilient Cultural–Social Landscape Integration Theory” highlights a dynamic triadic relationship among ecosystem services, ritual practices, and social sustainability. This framework extends existing theories in environmental psychology, urban political ecology, and social-ecological resilience by demonstrating that rituals are not passive consumers of urban spaces but active agents in producing, preserving, and revitalizing socially meaningful landscapes. The study further reveals that place attachment, social cohesion, and collective memory emerge as critical mediators connecting ecological qualities to long-term social sustainability.

Conclusion:

This study contributes to the growing body of research on cultural ecosystem services by proposing a grounded theoretical framework that explains how ecological and socio-cultural processes interact to create resilient urban landscapes. The findings demonstrate that social landscape sustainability in Iranian cities is not solely dependent on environmental quality or urban infrastructure, but also on the cultural meanings and collective practices embedded within urban green spaces. Historic gardens and ritual landscapes serve as vital cultural infrastructures that foster place attachment, social cohesion, and community resilience. Accordingly, urban planners and landscape architects should move beyond conventional approaches focused exclusively on ecological performance and incorporate ritual-based landscape design principles into planning and management strategies. Such an approach can enhance both cultural continuity and ecological resilience, contributing to more sustainable and inclusive urban futures.